

«حضرت خاتم انبياء روح ما سواه فدا»

از مشرق امرالهی ظاهر»

«حضرت بهاء الله»

اسلام و دینت بهائی

تألیف

علی اکبر فروتن

نشر اول - ۱۳۲۹

نشر دوم - ۱۳۴۴

۱۲۲ - بیع

مؤسسه ملی مطبوعات امری

بنام یزدان مهربان
~~~~~

اهل بهاء را عقیدت اینست که جمیع صحف الهیه و کتب سماویه که در عالم موجود است بر این بشارات عظیمه ناطق و متفق است که در آخر الزمان بسبب طلوع د و نیر اعظم در سماء امرالله عالم رتبه بلوغ یابد و دوره اوهام و خرافات طی شود و ظلمت اختلافات دینیه و مذهبیه از عالم زائل گردد و جهان بر کلمه واحده و دین واحد استقرار یابد ضغائن گامنه در صدور محو شود و عداوت و بیگانگی ام بمحبت و اخوت

تبدیل یابد جنگ و جدال بر افتد بل آلا ت  
 حرب بادوات کسب مبدل گردد حقائق مود وعه  
 در کتب ظهور یابد و مقاصد اصلیه مستوره در  
 بطون آیات مکشوف گردد معارف و علوم تقوّم  
 پذیرد و انوار تمدن حقیقیه که بلسان انبیاء  
 بدیانت معبراست جمیع اقطار را منور فرماید  
 نسیم رحمت بوزد و غمام عدل سایه گسترد و امطار  
 فضل ببارد و غبار ظلم و قتل ستم در جمیع  
 اقطار عالم فرو نشیند و خلاصه القول سموات  
 اریان مختلفه منطوی گردد و جهان آرایشی نو  
 گیرد و عظام رمیمه دین نشاءه جدیده و حیوة  
 بدیعه پذیرد معنی و تری الارض غیر الارض اشکار  
 شود و حقیقت و اشرف الارض بنور ربها هویدا

گردد و تفسیر والا مر یومئذ لله ظاهر آید و در  
توریه مقدس از این یوم عظیم و قرن فخیم یوم —  
الرب و یوم الله و از این د و ظهور کریم بنزول  
ایلیای نبی یعنی الیاس و ظهور الله تعبیر  
یافته و در انجیل جلیل بیوم الرب و یوم الملکوت  
و از د و ظهور برجعت یحیی و نزول ثانی  
حضرت روح الله از سماء و در قرآن مجید  
یوم الله و یوم الجزاء و یوم الحسرة و یوم التلاق  
و قیامت و ساعت و امثالها و در احادیث نبویه  
که مبین آیات قرآنی است از ظهور اول ظهور  
مهدی و از ظهور ثانی قیام روح الله و در احاد<sup>پ</sup>  
ائمهدی از ظهور اول ظهور قائم و از ظهور  
ثانی ظهور حسینی معبر گشته و مقصود کـ

اخبار از ورود د و یوم عظیم است و د و ظهور  
 کریم " عباراتنا شتی و حسنک واحد" ( ١ )  
 بنابراین بهائیان حضرت باب و حضرت  
 بهاء الله را موعود اسلام نیز میدانند و آنانکه  
 سابقا مسلم بوده و بعد در سلك بهائیان  
 منسلک شده اند از روی نصوص قرآن کریم  
 و احادیث مأثوره از ائمه طاهرین سلام الله  
 علیهم اجمعین بحقیقت دیانت بهائی که بموجب  
 بشارات قرآن کریم و بیانات مقدسه ائمه طاهرین  
 همان ظهور جدیدی است که باید عالم را به  
 خلعت تازه مزین فرماید و ملل و اقوام را بوحده  
 و وفاق و محبت و اتفاق و صلح و سلام دعوت

---

( ١ ) — کتاب فرائد تألیف جناب ابوالفضل گلپایگانی

نماید پی برده و بعد از ایمان بدین دینت  
 عقیده شان نسبت برسول خدا و ائمه هدی  
 راسختر و محکمتر و تشبث و تمسکشان بمقدسات  
 اسلامی ظاهراً و باطناً شدیدتر و قویتر گردیده  
 است زیرا حضرت بهاء الله که شارع و مؤسس  
 دینت مستقله بهائی هستند و حضرت عبدالبهاء  
 که مبین و مثل اعلای این دینتند و حضرت  
 شوقی ربانی که ولی منصوص امر بهائی میباشند  
 عظمت شأن و رفعت مقام حضرت رسول اکرم  
 صلعم و ائمه اطهار علیهم السلام علی الخصوص  
 حضرت علی بن ابیطالب و حضرت سیدالشهدا  
 حسین بن علی علیهما آلف التحیه و الثناء را  
 بافصح تبیان شرح و بیان فرموده و کمال تجلیل

رادر حق آن نفوس مقدسه روا داشته اند که  
برای مزید استحضار خوانندگان عزیز بعضی از  
بیانات ایشان من باب نمونه درین اوراق نقل  
میگردد :

### راجع بقرآن مجید

حضرت بهاء الله میفرماید :

- ۱ - شکی نبوده که قرآن من عند الله نازل شده  
و شکی هم نیست که کلمات الهیه مقدس بوده  
از آنچه توهم نموده اند .
- ۲ - فاعلم بان كلمة الله تبارك و تعالی فی -  
الحقیقة الاولیه و الرتبه الاولى تكون جامعة  
للمعان التي احتجب عن ادراكها اکثر الناس  
نشهد بان کلماته تامات و فی کل كلمة منها



سترت معاني ما اطلع بها احد الا نفسه و من  
عنده علم الكتاب لا اله الا هو المقتدر العزيز  
الوهاب .

ثم اعلم بان المفسرين الذين فسروا القرآن  
كانوا صنفين صنف غفلوا عن الظاهر و فسروه  
على الباطن و صنف فسروه على الظاهر و غفلوا  
عن الباطن . .

فاعلم من اخذ الظاهر و ترك الباطن انه  
جاهل و من اخذ الباطن و ترك الظاهر انه  
غافل و من اخذ الباطن بايقاع الظاهر عليه  
فهو عالم كامل . . . ”

٣ - در كتاب مبین رب العالمین . . . جمیع

ناس را بِلِقائِ خود وعده فرموده .

۴ - در کتابی که ترك نشد از آن امری . . .

میفرماید " ان شجرة الزقوم طعام الاثیم "

۵ - هر کس تصدیق فرقان ننمود فی الحقیقه

مصدق کتب قبل از فرقان هم نبوده .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

۱ - اگر بنظر انصاف ملاحظه شود جمیع

قوانین سیاسیة در مدلول این چند کلمه مبارکه

داخل قوله تعالی و یا مرون بالمصروف و ینهون

عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من

الصالحین و همچنین میفرماید و لتکن منکم امة

یدعون الی الخیر و یا مرون بالمصروف و ینهون

عن المنکر و اولئک هم المفلحون و همچنین

میفرماید ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ینهی

عن الفحشاء و المنكر و البغى يعظكم لعلكم  
 تتذكرون و در تمدن اخلاق ميفرمايد خذ العفو  
 و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلين و همچنين  
 ميفرمايد الكاظمين الفيظ و العافين عن الناس  
 و الله يحب المحسنين و همچنين ميفرمايد ليس  
 البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب  
 و لكن البر من آمن بالله و اليوم الآخر و الملائكة  
 و الكتاب و النبيين و آتى المال على حبه ذوى —  
 القربى و اليتامى و المساكين و ابن السبيل  
 و السائلين و فى الرقاب و اقام الصلوة و آتى  
 الزكوة و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا و الصابرين  
 فى الباءساء و الضراء و حين الباءس اولئك  
 الذين صدقوا و اولئك هم المتقون و همچنين

میفرماید یو<sup>۱</sup>ثرون علی انفسهم ولو كانت بهم  
 خصاصة ملاحظه فرمایند که در این چند آیه  
 مبارکه منتهی در ارجح حقائق مدنیت و جوامع  
 لوامع شیم مستحسنه انسانیت مذکور .

۲ - در قرآن آیاتی مصرح نازل که مخالف  
 آراء حکمیه و مسائل فنیه و قواعد ریاضیه اهل  
 فنون آن عصر بود لهذا همچو گمان شد که این  
 نصوص الهیه خلاف واقع زیرا مخالف قواعد فنیه  
 ریاضیه مسلمه در آفاق بود و در آنزمان مسائل  
 ریاضیه بتمامها مؤسس بر قواعد بطلمیوسییه  
 بود و مجسطی در جمیع اقالیم مسلم جمیع اهل  
 فنون یود و مبنای رصد بطلمیوس بر سکون ارض  
 و حرکت افلاک بود و نصوص قرآنی چنانچه

میفرماید " و کل فی فلك یسبحون " مخالف آن  
و همچنین از اساس رصد بطلمیوس آفتاب را -  
حرکت فلکی قائل و بنص قرآن آفتاب را حرکت  
محوری ثابت چنانچه میفرماید " و الشمس تجری  
لمستقر لها ذلك تقدیر العزیز العلیم " ولی  
بعد از آنکه اصحاب فنون و ریاضیون هزار سال  
تدقیق کردند و تحقیق نمودند و آلات و ادوات  
راصده ایجاد کردند و رصد نجوم نمودند واضح  
و مشهود شد و ثابت و محقق گشت که نص صریح  
قرآن مطابق واقع و جمیع قواعد بطلمیوسیه باطل  
" ان فی ذلك لعبرة لاولی الالباب "

XXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXX

راجع بحضرت رسول اکرم ( صلعم )

---

حضرت بهاء الله میفرماید :

١ - و الصلاة و السلام علی مطلع الاسماء الحسنی و الصفات العلیا الذی فی کل حرف من اسمه کنزت الاسماء و به زین الوجود من الغیب و الشهود و سمی بمحمد فی ملکوت الاسماء و باحمد فی جبروت البقاء و علی آله و صحبه من هذا الیوم الی یوم فیہ ینطق لسان العظمة الملك لله الواحد القهار .

٢ - در ظهور رسول روح ما سواه فداه علمای مکة و مدینه در سنین اولیه بر اعراض و اعتراض قیام نمودند نفوسیکه ابد اهل علم نبودند بایمان فائز شدند قدری تفکر فرمائید باللال

حبشی که کلمه از علم نخوانده بود بسما ایمان  
 و ایقان ارتقا نمود و عبد الله ابی که از علماء  
 بود بنفاق برخاست راعی غنم بنفحات آیات  
 بمقر دوست پی برد و بمالك ام پیوست  
 و صاحبان علوم و حکم ممنوع و محروم اینست که  
 میفرماید حتی یصیر اعلاکم اسفلکم و اسفلکم  
 اعلاکم و مضمون این فقره در اکثر کتب الهیه  
 و بیانات انبیاء و اصفیاء بوده .

۳ - حضرت خاتم انبیاء روح ما سواه فداه از  
 مشرق امر الهی ظاهر و باعنایت کبری و فضل  
 بی منتهی ناس را بکلمه مبارکه توحید دعوت  
 نمودند و مقصود آنکه نفوس غافل را آگاه فرمایند  
 و از ظلمات شرك نجات بخشند و لکن قوم بر

اعراض و اعتراض قیام کردند و وارد آوردند — آنچه را که معشر انبیاء در جنت علیا نوحه نمودند .

۴ خاتم انبیاء روح ما سواه فداه تفکر نمائید چون آن نیر حقیقی باراده الهی از افق حجاز اشراق نمود احزاب اعراض نمودند و بر سفک دم اطهرش قیام کردند وارد شد بر آنحضرت آنچه که عیون ملاء اعلیٰ گریست و افتده مخلصین و مقربین محترق گشت باید در سبب و علت و اعتراض تفکر نمود حق جل جلاله میفرماید .

” ما یاءتیه من رسول الا کانوا به یستهزؤن ”

و شکی نبوده و نیست که اگر مظاهر او امر الهی و مصادر احکام ربانی موافق و مطابق آنچه در



قومست از اشارات ظهور و اخبار و نصوص  
ظاهر میگشتند احدی اعراض نمینمود بلکه کل  
فائز میشدند بآنچه که از برای او از عدم بوجود  
آمده اند و از نیستی بحت بات بطراز هستی  
مزین گشته اند .

۵ - اسئلك يافالِق الاصباح و مسخر الريح  
بانبياءك و رسلك و اصفياءك و اولياءك الذين  
جعلتهم اعلام هدايتك بين خلقك و رايات -  
نصرتك في بلادك و بالنور الذي اشرق من  
افق الحجاز و تنورت به يثرب و البطحاء و ما في  
ناسوت الانشاء بان تويد عبادك على زكرك  
و ثنائك و العمل بما انزلته في كتابك .

۶ - اشهد يا الهى بما شهد به انبياءك

ك  
 و اصفيا و ءك و بما انزلته فى كتبك و صحفك اساء  
 باسرار كتابك و بالذى به فتحت ابواب العلوم  
 على خلقك و رفعت راية التوحيد بين عبادك  
 بان ترزقنى شفاعة سيد الرسل و هادى السبل  
 و توفقنى على ما تحب و ترضى .

۷ - چنانچه سلطنت حضرت رسول حال در  
 میان ناس ظاهر و هوید است و در اول امر  
 آن حضرت آن بود که شنیدید چه مقدار  
 اهل کفر و ضلال که علمای آن عصر و اصحاب  
 ایشان باشند بر آن جوهر فطرت و سازج  
 طینت وارد آوردند چه مقدار خاشاکها و خارها  
 که بر محل عبور آن حضرت میریختند و این  
 معلوم است که آن اشخاص بظنون خبیثه

شیطانیه خود اذیت بآن هیکل ازلی را  
 سبب رستگاری خود میدانستند زیرا گه  
 جمیع علمای عصر مثل عبدالله ابی و ابو عا مر  
 راهب و کعب بن اشرف و نضر بن حارث  
 جمیع آن حضرت را تکذیب نمودند . . . و این  
 معلوم و واضح است که علمای وقت اگر کسی را  
 رد و طرد نمایند و از اهل ایمان ندانند چه  
 بر سر آن نفس میاید چنانچه بر سر این بنده  
 آمد و دیده شد اینست که آن حضرت فرمود  
 ما اوزی نبی بمثل ما اوزیت . . . حتی  
 قسمی بر آن حضرت سخت شد که احدی با  
 آن حضرت و اصحاب او چندی معاشرت  
 نمینمود و هر نفسی که خدمت آن حضرت

میرسید کمال ازیت را باو وارد مینمودند در این موقع يك آیه ذکر مینمایم که اگر چشم بصیرت باز کنی تا زنده هستی بر مظلومی آن حضرت نوحه و ندبه نمائی و آن آیه در وقتی نازل شد که آن حضرت از شدت بلایا و اعراض ناس بغایت افسرده و دلتنگ بود جبرئیل از سدره المنتهای قرب نازل شد و این آیه تلاوت نمود :

” و ان كان كبر عليك اعراضهم فان استطعت ان تبتغي نفقا في الارض او سلما في السماء ”

... و حال امروز مشاهده نما که چه قدر از سلاطین با اسم آنحضرت تعظیم مینمایند و چه قدر از بلاد و اهل آن که در ظل او ساکنند و بنسبت بآن حضرت افتخار دارند چنانچه بر

منابر و گلدسته ها این اسم مبارک را بکمال  
 تعظیم و تکریم زگر مینمایند و سلاطینی هم که  
 در ظل آن حضرت داخل نشده اند و قمیص  
 کفر را تجدید ننموده اند ایشانهم ببزرگی  
 و عظمت آن شمس عنایت مقرر و معترفند .  
 انتهی . اگر تمام بیانات حضرت بهاء الله گه  
 راجع بعظمت اسلام و رفعت شأن و مقام رسول  
 خدا و ائمه هدی صادر شده در این اوراق  
 نقل شود برآستی این رساله مبدل بکتابی  
 مفصل گردد و لهذا برای رعایت جانب  
 اختصار بهمین مقدار اقتصار میشود .  
 حضرت عبدالبهاء مبین آثار حضرت  
 بهاء الله در بسیاری از مکاتیب خویش

حقیقت دین مبین اسلام را بر مخالفین و منکرین  
بنهایت قدرت و قوت ثابت نموده و درسالهای  
۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ که بر حسب تقاضای بهائیان  
اروپا و امریکا بممالک غرب مسافرت کرده اند  
در بسیاری از معابد و کنائس مسیحی و یهود  
و مجامع قسیسین و مادیین بصریح بیان از  
مقدسات اسلام دفاع فرموده اند و حال آنکه  
بشهادت مطلعین کسی را یارای آنکه نامی  
از رسول الله در آن معابد و مجامع ببرد  
نبوده است .

از آن جمله در ضمن خطابه ئی که در  
معبد بزرگ یهودیان سانفرانسیسکو در تاریخ  
۱۲ ماه اکتبر سنه ۱۹۱۲ ایراد کرده اند

چنین میفرمایند :

” حضرت محمد اول خطابی که بقوم خود کرد گفت موسی پیغمبر خدا تورات کتاب خدا است شما باید مؤمن تورات و جمیع انبیای بنی اسرائیل شوید و موقن بحضرت مسیح و انجیل جلیل گردید هفت مرتبه تاریخ موسی را که در جمیع ستایش آن حضرت است مکرر میفرماید که حضرت موسی از انبیای اولوالعزم صاحب شریعت بود در صحرای طور خطاب الهی را شنید و با خدا تکلم نمود الواحی بر او نازل شد جمیع اقوام و قبائل عرب ضد او — بر خاستند عاقبت خدا او را غالب کرد زیرا حق بر باطل غالب است ملاحظه نمائید که حضرت

محمد در بین اقوام وحشی عرب تولد یافت  
و زندگانی فرمود بظاهرامی و بی خبر بود  
و اقوام اعراب در نهایت جهالت و همجی  
بقسمی که دختران خود را زنده زنده زیر خاک  
مینمودند و این را نهایت فخر و حمیت و علو  
فطرت میشمردند و در تحت حکومت ایـران  
و رومان در نهایت ذلت و اسارت زندگانی  
مینمودند و در بادیه عرب پراکنده بودند و با  
یکدیگر حرب و قتال میکردند چون نور محمدی  
طالع شد ظلمت جهالت از بادیه عرب زائل  
گشت آن اقوام متوحشه در اندک زمانی بمنتهی  
درجه مدنیت رسیدند چنانکه از مدنیت ایشان  
در اسپانیا و بغداد اهالی اروپا استفاد ه



گردند حال چه برهانی اعظم از این است و  
این دلیل واضح است مگر آنکه انسان چشم از  
انصاف بپوشد و بنهایت اعتساف برخیزد .

انتهی

و همچنین در کتاب " مفاوضات عبد البهاء " که  
از کتب مشهوره و آثار معروفه بهائی است  
در جواب سئوالات میس کلیفور در بارنسی  
امریکائی برای رفع شبهات مفروضین نسبت به  
رسول اکرم صلعم این عبارات عالیات صادر :  
" اما حضرت محمد اهل اروپا و امریکا  
بعضی روایات از حضرت رسول شنیده اند و  
صدق انگاشته اند و حال آنکه راوی یا جا هل  
بوده و یا مبغض و اکثر راویها قسیسها بوده اند

. . غزوات حضرت محمد جمیع حرکت دفاعی  
 بوده و برهان واضح آنکه سیزده سال در مکه  
 چه خود و چه احبایش نهایت ازیت راکشیدند  
 و در این مدت هدف تیر جفا بودند بعضی  
 اصحاب کشته گشتند و اموال بیغما رفت و  
 سائرین ترك وطن مآلوف نمودند و بدیوار  
 غربت فرار کردند و خود حضرت را بعد از —  
 نهایت ازیت مصمم بقتل شدند لهذا نصف  
 شب از مکه بیرون رفتند و بمدینه هجرت  
 فرمودند با وجود این اعداء ترك جفا نکرده  
 بلکه تعاقب تا حبشه و مدینه نمودند و این  
 قبائل و عشائر عرب در نهایت توحش و درندگی  
 بودند که برابره و متوحشین امریکا نزن اینها

افلاطون زمان بودند زیرا برابره امریکا اولادها  
 خویش را زنده زیر خاک نمینمودند اما اینها  
 دختران خویش را زنده زنده زیر خاک میکردند  
 و میگفتند که این عمل منبعت از حمیت است  
 و بآن افتخار مینمودند . . . حضرت محمد  
 در میان این قبائل مبعوث شد و شیزده سال  
 بلائی نماند که از دست این قبائل نکشید بعد  
 از سیزده سال خارج شد و هجرت کرد و لسانی  
 این قوم دست برنداشتند جمع شدند و لشکر  
 کشیدند و بر سرش هجوم نمودند که بکل را از  
 رجال و نساء و اطفال محو و نابود نمایند در  
 چنین موقعی حضرت محمد مجبور بر حرب با  
 چنین قبائلی گشت این است حقیقت حال شما

با نصاب ملاحظه کنید اگر حضرت مسیح در  
چنین موقعی بود در بین چنین قبائل طاغیه  
متوحشه و سیزده سال با جمیع حواریین تحمل  
هر جفائی از آنها میفرمود و صبر میکرد و  
نهایت از وطن مآلوف از ظلم آنان هجرت  
به بیابان مینمود و قبائل طاغیه باز دست  
بر نداشته تعاقب میکردند و بر قتل عموم  
رجال و نهب اموال و اسیری نساء و اطفال  
میپرداختند آیا حضرت مسیح در مقابل  
آنان چه نوع سلوک میکردند؟ " انتہی  
حضرت شوقی ربانی ولی منصوص امر  
بہائی در یکی از مکاتیب مشروحہ خویش بنام  
" روز موعود فرا رسیده " کہ خطاب بتمام

بهایان مغرب زمین صادر شده راجع بدیانت  
اسلام و مقام حضرت محمد و ائمه اطهار بیاناتی  
میفرمایند که مضمون و مفاد آن بفارسی چنین  
است :

” نسب حضرت باب که از ذریه امام حسین  
بوده و شواهد مختلفه و قابل توجه که در تاریخ  
نبیل در باره روش و سلوک مبشر دیانت ما نسبت  
بمؤسس و ائمه اسلام و کتاب قرآن مذکور است  
و تکریمات جلیه ثیکه حضرت بهاء الله در کتاب  
ایقان راجع بحضرت محمد و اوصیای حقه او  
مخصوصا امام حسین فرید و وحید فرموده اند  
براهینی که حضرت عبدالبهاء در کلیساها  
و کنیسه ها بکمال استحکام و بدون بیم و هراس

علی رؤس الاشهاد برای اثبات حقانیت دیانت پیغمبر اسلام اقامه فرموده و بالاخره شهادت کتبی ملکه رومانی که در کلیسای انجیلی تولد یافته و با وجود بستگی نزدیک دولتش بکلیسای ارتودوکس یعنی دیانت رسمی مملکت متبوعه او بیشتر بر اثر قرائت خطابات عمومی حضرت عبدالبهاء بر آن شده که اعتراف خود را بر رسالت حضرت محمد اعلام نماید .

تمام اینها بدون هیچگونه شك و تردید نظر حقیقی آئین بهائی را نسبت بدیانت اسلام معلوم و مشهور میسازد . آن مقام شاهانه چنین شهادت میدهد " آثار باهره اش در جمیع اشیا موجود و قوه معنویه اش در کلیه

ممکنات مشهود و مودوع . . . ندای غیبی  
 است که ما را در اعماق قلب صلا میزند و راه  
 هدایت را از طریق ضلالت نشان میدهد  
 لکن چون اکثر نفوس از این آواز غیبی و ندای  
 درونی زاهد و غافلند خداوند بصرف فضل  
 و عنایت وجودات مقدسی را مأمور و در بین  
 خلق مبعوث فرموده تا آنکه کلمه اش را در امر  
 حق ظاهر و حقیقت آنرا بر نفوس بشری واضح  
 و لائح سازند ظهور انبیای گرام ظهور حضرت  
 مسیح حضرت رسول و حضرت بهاء الله کلاً  
 لاجل این مقصد اعزاعلی بوده زیرا در هر  
 عصر و زمان نوع بشر بندهای الهی و نباء ربانی  
 که خلق را بطریق حقیقت ارشاد و مفهـوم

حقیقی الوهیت را بر او مکشوف و عیان سازد  
 محتاج و نیازمند است این است که این ندای  
 ربانی و صوت مقدس بلسان الهی در هیکل  
 بشری انبیای عظام ساری و جاریست ظاهر  
 میشود تا نفوس انسانی بآذان عنصری اصفاء  
 و حقیقت آنرا درک نمایند . ”

( ترجمه از انگلیسی )

اکنون بجاست سؤال شود که برای  
 اعتراف پیروان حضرت بهاء الله نسبت بمقام  
 ارجمندی که حضرت محمد رسول الله در میان  
 تمام سلسله انبیای الهی داشته چه دلیل  
 بزرگتری لازم دارند ؟ و آیا علماء توقع دارند که  
 ما نسبت به دیانت اسلام چه خدمت بزرگتری



انجام دهیم ؟ چه شاهد بزرگتری از شایستگی ما بالاتر از این میخواهند که در مقاماتیکه از دسترس آنها بکلی خارج است ما شعله ایمان حقیقی و پر شراره بر میافروزیم که بحقیقت رسول الله شهادت داده و از قلم چنین ملکه عی اعتراف علی که حقیقه تاریخست در باره مبعوثیت آن حضرت من جانب الله بدست میاوریم ؟  
 انتهی

علاوه بر این حضرت شوقی ربانی  
 بهبانیان امریکا صریحا دستور فرموده اند که در مدارس تابستانه قرآن مجید حاضرین تدریس شود و بهبانیان غرب در مدارس مزبوره برای اجرای این دستور بکمال اطاعت و خلوص

نیت نصوص آن سفر کریم را تعلیم گرفته و میگیرند

راجع بمقام ولایت و ائمه اطهار علیهم السلام

حضرت بهاء الله میفرماید :

١ - ثم اعلم بان للشمس التي نزلت في السورة

المباركة اطلاقات شتى . . . . وفي مقام تطلق

على اولياء الله و اولاده لانهم شمس الولاية

بين البرية لولا هم لا خذت الظلمة من على الارض

كلها الا من شاء ربك .

٢ - " و القمر اذا تلاها " و المقرتبة الولاية

الذي تلا شمس النبوة اى يظهر بعده ليقوم على

امر النبي بين العباد .

حضرت عبدالبهاء میفرماید :

” ائمه اطهار مطالع الهام بودند و مظاهـر  
فیض حضرت رحمن . . . لهذا کلام ائمه اطهار  
را . . . بالهام رحمانی دانیم .

راجع بحضرت امیر المؤمنین علی بن

ابی طالب علیه السلام

حضرت بهاء الله میفرمایند :

دو نفر از اهل کوفه خدمت حضرت امیر آمدند  
یکی را بیتی بود که اراده بیع آن داشت و دیگری  
مشتری بود و قرار بر آن داده بودند که با اطلاع  
آن حضرت این مباحثه وقوع یابد و قباله مسطور  
گردد آن مظهر امر الهی بکاتب فرمودند که  
بنویس قد اشتری میت عن میت بیتا محدودا —

بحدود اربعه حد الى القبر و حد الى اللحد  
و حد الى الصراط و حدا ما الى الجنة و اما  
الى النار حال اگر اين دو نفر از صور حیات  
علوی زنده شده بودند و از قبر غفلت بمحبت  
آن حضرت مبعوث گشته بودند البته اطلاق  
موت بر ایشان نمیشد و هرگز در هیچ عهد  
و عصر جز حیات و بعث و حشر حقیقی مقصود  
انبیاء و اولیاء نبوده و نیست اگر قدری تعقل  
شود در همین بیان آن حضرت کشف جمیع  
امور میشود که مقصود از لحد و قبر و صراط  
و جنت و نار چه بود . . .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

۱ - در حجة الوداع حضرت رسول در غدیر

خم که منزلی از منازل مابین مدینه و مکه است  
کمر بند حضرت امیر را گرفتند و بلند فرمودند  
و گفتند ایها الناس من كنت مولا ه فهدا علی  
مولا ه اللهم و ال من والاه و عاد من عاده و -  
انصر من نصره و اخذل من خذله بعد حضرات  
حاضرین جمیع از عان و تمجید نمودند حتی  
عمر بخ بخ لك يا علی لقد اصبحت مولا ی ومولی  
كل مؤمن و مؤمنة گفت .

۲ - سلطان عرصه علم و حکمت و پادشاه کشور  
ولایت حضرت علی بن ابیطالب علیه التحیة  
و الثناء میفرمایند " کمال التوحید نفی الصفات  
عنه "

۳ - بدر منیر افلاک علم و معرفت و نقطه مرکز

دائرہ ولایت اسد اللہ الغالب علی بن ابیطالب<sup>لب</sup>  
علیہ التحیة و الثناء میفرماید :

” کل ما فی التوراة و الانجیل و الزبور  
موجود فی القرآن و کل ما فی القرآن فی  
الفاتحة و کل ما فی الفاتحة فی البسملة و کل  
ما فی البسملة فی الباء و کل ما فی الباء فی  
النقطه و انا النقطه ”

۴ — پادشاه عرصہ ولایت و عنقاء مشرق علم  
و حکمت حضرت علی بن ابیطالب کرم اللہ وجہہ  
میفرماید :

” کمال التوحید نفی الصفات عنہ ”

۵ — بلبل بستان تمجید و عندلیب گلستان  
تجرید اسد اللہ الغالب علی بن ابیطالب

کرم الله وجهه باکمل بیان و افصح تبیان بیان  
نموده اند و حقیقت این مطلب بلند اعلی را  
بچند کلمات لطیفه مکشوف و عیان فرموده اند  
این است بیان آن حضرت که میفرماید :  
” من سئل عن التوحید فهو جاهل و من  
اجاب عنه فهو مشرک و من عرف التوحید فهو  
ملحد و من لم یعرف التوحید فهو کافر ”

راجع بحضرت سید الشهدا علیه السلام

حضرت بهاء الله در زیارتنامه حضرت سید الشهدا<sup>۱</sup>  
حسین بن علی علیه السلام میفرمایند :  
” بدلوا اثوابکم البیضاء و الحمراء بالسوداء ”

بما اتت المصیبة الكبرى و الرزية العظمی التي

بها نوح الرسول و ذاب كبد البتول و ارتفع  
 حنين الفردوس الالى و نحيب البكاء من اهل  
 سراقق الابهى و اصحاب السفينة الحمراء  
 المستقرين على سرر المحبة و الوفاء آه آه من  
 ظلم به اشتعلت حقائق الوجود و ورد على مالك  
 الغيب و الشهود من الذين نقضوا ميثاق الله  
 و عهده و انكروا حجته و جحدوا نعمته و جادلوا  
 بآياته فآه آه ارواح الملاء الالى لمصيبتك الفداء  
 يا ابن سدرة المنتهى و السر المستسرفى  
 الكلمة العليا يا ليت ما ظهر حكم المبدأ والمآب  
 و ما رأت العيون جسدك مطروحا على التراب  
 بمصيبتك منع بحر البيان من امواج الحكمة و  
 العرفان و انقطعت نسائم السبحان بحزنك



محبت الاثار و سقطت الاثمار و صعدت زفرات  
 الابرار و نزلت عبرات الاخيار فآه آه يا سيد  
 الشهداء و سلطانهم و آه آه يا فخر الشهداء  
 و محبوبهم اشهد بك اشرق نير الانقطاع من  
 افق سماء الابداع و تزينت هياكل المقربين  
 بطراز التقوى و سطع نور العرفان فى ناسوت  
 الانشاء لولاك ما ظهر حكم الكاف و النون و ما  
 فتح ختم الرحيق المختوم . . كل الوجود  
 لوجودك الفداء يا مشرق وحي الله و مطلع  
 الاية الكبرى و كل النفوس لمصيبتك الفداء يا  
 مظهر الغيب فى ناسوت الانشاء اشهد بك  
 ثبت حكم الانفاق فى الافاق و ذابت اكباد  
 العشاق فى الفراق اشهد ان النور نباح

لمصيباتك و الطور صاح بما ورد عليك من  
اعدائك لولاك ما تجلى الرحمن لابن عمرا ن  
فى طور العرفان اناديك و اذكرك يا مطلع  
الانقطاع فى الابداع و ياسر الظهور فى جبروت  
الاختراع بك فتح باب الكرم على العالم و اشرق  
نور القدم بين الامم اشهد بارتفاع يد رجاك  
ارتفعت ايدى الممكنات الى الله منزل الايات  
و باقبالك الى الافق الابهى اقبلت الكائنات  
الى الله مظهر البيئات انت النقطة التى بها  
فصل علم ما كان و ما يكون و المعدن الذى منه  
ظهرت جواهر العلوم و الفنون بمصيبتك توقف  
قلم التقدير و ذرفت دموع اهل التجريد فآه آه  
بحزنك تزعزعت اركان العالم و كاد ان يجمع

حکم الوجود الى العدم انت الذى باصرک  
ماج کل بحر و هاج کل عرف و ظهر کل امر  
حکیم بک ثبت حکم الکتاب بین الاحزاب و جرى  
فرات الرحمة فى المآب قد اقبلت اليک يا سر  
التوراة و الانجيل و مطلع آيات الله العزيز  
الجميل بک بنيت مدينة الانقطاع و نصبت راية  
التقوى على اعلى البقاع لولاک انقطع عرف  
العرفان عن الامکان و رائحة الرحمن عن  
البلدان بقدرتك ظهرت قدرة الله و سلطانه  
و عزة و اقتداره و بک ماج بحر المجد و استوى  
سلطان الظهور على عرش الوجود ( ١ ) انتهى

---

( ١ ) - زیارتنامه حضرت سید الشهداء خلیس  
مفصل است که قسمتی از آن برای نمونه نقل شد

در کتاب ایقان این بیانات صادر :

”جندی از حسین بن علی اعلی در ارض نبوده  
که اقرب الی الله باشد و آن حضرت بر روی ارض  
مثلی و شبهی نداشت لولاه لم یکن مثله فی  
المک باوجود این شنیدید که چه واقع شد  
الا لعنة الله على القوم الظالمین . . . ملاحظه  
فرمائید غلبه ترشحات دم آن حضرت راکه بر  
تراب ترشح نموده و بشرافت و غلبه آن دم تراب  
چگونه غلبه و تصرف در اجساد و ارواح ناس  
فرموده چنانچه هر نفسی برای استشفاء بذره  
از آن مرزوق شد شفا یافت و هر وجود کوه  
برای حفظ مال قدری از آن تراب مقدس را -  
بیقین کامل و معرفت ثابته راسخه در بیست

نگاهداشت جمیع مالش محفوظ ماند و اگر  
مراتب تأثیرات باطنیه را ذکر نمایم البته خواهند  
گفت تراب را رب الارباب دانسته . . .  
و همچنین ملاحظه نما با اینکه بنهایت ذلت  
آن حضرت شهید شد و احدی نبود که آن -  
حضرت را در ظاهر نصرت نماید و یا غسل  
دهد و کفن نماید معذک حال چگونه از اطراف  
و اکناف بلاد چه قدر از مردم که شد رحال  
مینمایند برای حضور در آن ارض که سر بر آن  
آستان بمالند اینست غلبه و قدرت الهی و  
شوکت و عظمت ربانی .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

بعد از شهادت حضرت سید الشهداء روحی

له الفداء در ایام امویین آثاری که در قتلگاه بود  
 بکلی محو کردند و آن صحرا را شخم زدند  
 و زراعت کردند تا قتلگاه بکلی مفقود شود هفتاد  
 سال بر این منوال قتلگاه مفقود الاثر بود و امویون  
 نگهبان گذاشتند که مبادا کسی از یک فرسخی  
 بتواند زیارتی نماید در این هفتاد سال ابداً  
 تقرب بقتلگاه ممکن نبود اگر نفس متنبهی مؤمن  
 بود از ده فرسخی توجه بقتلگاه میکرد و زیارت  
 مینمود و این نیز در نهایت احتیاط و همچنین  
 قبر منور حضرت امیر علیه السلام بهمین منوال  
 محو و نابود نمودند بعد از آنکه بنی عباس  
 خلافت اموی<sup>ه</sup> را محو نمودند و بر سریر سلطنت  
 نشستند اجازت زیارت دادند و در قتلگاه

محبان حضرت آثاری بنا کردند که دلالت بر  
 موقعیت آن محل مینمود بعد از مدتی مدیده  
 در زمان متوکل عباسی نیز حکم مبرم صادر گه  
 دوباره آن مقامات مقدسه را ویران کنند باز  
 بکلی محو و نابود نمودند و آن صحرا را شخم  
 زدند و زراعت کردند و حتی از ده فرسخی  
 نمیگذاشتند کسی نزدیک برود تا آنکه حکومت  
 و صدارت و وزارت بدست آل بویه افتاد و آل  
 بویه از محبان حضرت سید الشهداء<sup>ع</sup> روحی لسه  
 الفداء<sup>ع</sup> بودند و چنان نفوذی و قدرتی حاصل  
 کردند که از برای خلافت عباسی نفوذی نگذا<sup>شتند</sup>  
 و امور جمیعا در دست آل بویه بود و خلیفه  
 در قصر خلافت بخود مشغول در زمان آل بویه

دو باره تعمیر قتلگاه کردند و همچنین مرقد  
منور حضرت امیر را دفعه ثالث باز انشاء  
نمودند حتی عضدالدوله که اعظم رجال آل بویه  
است سلطنت ایران را تجدید کرد و لقب —  
پادشاهی گرفت و در خطبه بعد از خلیفه  
ذکر پادشاهی عضدالدوله بود . . . جناب  
عضدالدوله بیمار شد و جمع شدیدی در اعضاء  
حاصل گشت قریب بصبح از حیات نومید گردید  
سئوال نمودند که ای شخص جلیل چه وصیتی  
داری بفرما گفت ما اغنی عنی مالیه هلك عنی  
سلطانیه چه وصیت کنم هیچ وصیتی ندارم  
جز يك وصیت و آن اینست که مراد را آستان  
حضرت امیر نظیر پاسبان دفن کنید و بر قبر



من بنویسید و کلبهم باسط ذراعیه بالوصیید  
 حال ملاحظه کن که چه خبراست . . " انتهی  
 این بود قسمتی از آثار امر بهائی راجع  
 باسلام و مقدسات آن دین مبین که بکمال  
 اختصار درین اوراق مرقوم شد .

از این گذشته امر بهائی در زمان ما  
 بصد اقلیم (۱) که عنوان کتبی و تلگرافی هر یک  
 از این اقالیم موجود و طالبین به سهولت با  
 بهائیان آن ممالک میتوانند مکاتبه فرمایند  
 سرایت کرده و در بین ملل و اقوام مختلفه تابع  
 (۱) - حالا امر بهائی در متجاوز از دو بیست  
 و شصت اقلیم منتشر است که احصاء همه آن در  
 این مقام از حیث امکان خارج خواهد بود .

و پیرو یافته بقسمی که الحال جمع کثیری از بودا<sup>ئی</sup>  
 برهمنائی - زردشتی - مسیحی - کلیمی حتی  
 گروهی از قبائل اسکیمو و غیرهم بظل دیانت  
 بهائی وارد شده و تمام این نفوس بلا استثناء  
 حسب تعلیمات مؤکده صریحه حضرت بهاء الله  
 بجنبه ملکوتی و الهی دیانت اسلام معتقد گردیده  
 و حال آنکه قبل از ایمان بامر بهائی در مکاتبات  
 و مخاطبات خود از هیچگونه اهانت و افتراء در  
 باره این دیانت دریغ نداشته اند .

کتب و آثار بهائیانیکه سابقا غیر مسلمان  
 بوده اند الآن موجود است و اگر شخص بیطرف  
 و منصفی در آن آثار بنظر امعان نظر نماید  
 ملاحظه خواهد نمود که اینان بعد از بهائی

شدن از پیغمبر اسلام و قرآن مجید تا چه حد  
 تکریم و تقدیس نموده و بچه اندازه تعلق خود  
 را بمقدسات اسلامی اظهار داشته اند چنانکه  
 فی المثل یکی از بهائیان امریکا رسالهء دگترای  
 خود را راجع بحقیقت اسلام و کتاب مقدس قرآن  
 نوشته است .

مسیس کهلر مبلغه بین المللی بهائی که  
 سابقا مسیحی و منکر اسلام بوده و بعد از  
 اعتناق بامر بهائی رسول خدا و ائمه هدی را  
 بر حق دانسته و قرآن مجید را کلام الله  
 خوانده بکمال اشتیاق برای زیارت عتبه مقدسه  
 حضرت سیدالشهداء بکربلا رفته و لکن مع  
 الاسف متولی بایشان اجازه ورود بحرم مطهر

نداده و آن خانم محترمه مراتب تأسف و تأثر خود را در این واقعه کتبا نیز اظهار کرده است مؤلف شهیر دکتر اسلمنت که یکی از تألیفات او موسوم به "بهاء الله و عصر جدید" به ۶۳ زبان<sup>(۱)</sup> ترجمه و طبع گردیده در آثار خود حضرت محمد صلعم را از انبیای اولوالعزم دانسته و کمال تعظیم و تکریم را در حق آن مظهر امر رب قدیم بجا آورده است .

بطور کلی یکی از شرائط متقنه انتساب بامر بهائی قبول مظهریت کامله تامه حضرت

---

( ۱ ) - حالا آثار بهائی و منجمله همین کتاب بمتجاوز از سیصد زبان ترجمه و نشر گردیده است .

ختمی مرتبت است بقسمی که اگر شخصی موسوی  
 و یا مسیحی رسول اکرم صلعم و ائمه طاهریین  
 را قبول نکند ایمان او به دیانت بهائی مقبول  
 نخواهد بود و این خود یکی از مشکلات انتشا  
 این دیانت در بین مسیحیان  
 و کلیمیان است زیرا آنان از شنیدن نام حضرت  
 محمد استیحا ش دارند چه رسد بآنکه آنحضرت  
 را به سمت نبی بر حق بپذیرند و در ردیف  
 حضرت موسی و حضرت مسیح بشمار آورند ولکن  
 قدرت نافذه کلمة الله چنان اعناق آنانرا  
 خاضع کرده که در ظل امر بهائی بنهایت  
 انکسار و خشوع باین حقیقت اعتراف کرده وهمیکنند

XXXXXXXXXXXXXXXXXX

بعد از مطالعه این رساله اهل وجدان و انصاف در خواهند یافت که بهائیان جهان بدیانت اسلام تعلق شدید داشته و دارند و مقدسات اسلامی را شریف و جلیل می‌شمارند و استغفرالله منکر رسول خدا و ائمه هدی نبوده و نیستند و این تهمت و افتراء فقط بمنظور انزجار مسلمانان از بهائیان جعل و نشر گردیده و — نفوس زود باوریدون فحص و تحقیق اقوال مفرضین و مخالفین پرکین امر بهائی را صدق انگاشته و با بهترین و صمیمی ترین دوستداران اسلام کنسه محبت رسول الله و ائمه طاهرین را در قلوب جمعی کثیر از منکرین و مفرضین جای داده و میدهند بکمال شدت وحدت رفتار نموده و مینمایند و برخی

از پیشوایان دین صرف از روی تعصب منکرین اسلام را بر مروجین حقائق این آئین ترجیح و تفضیل داده و میدهند .

در خاتمه از آستان مقدس حضرت احدیت بکمال مسکنت رجا و مسئلت میشود که جاعلین و ناشرین این تهمت عداقت انصافرا پیشه کنند و از روز جزا اندیشه نمایند و دیگر دست از تحریک اشخاص بی اطلاع بردارند و هموطنان عزیز ما در ایران و عموم مسلمانان جهان بسخافت این تهمت ها پی برده بکمال استقلال شخصا آثار بهائی را تحت مطالعه قرار دهند و برای کشف حقیقت و تحری حق از باطل سعی و مجاهدت فرمایند تا باین

( ٥٦ )

کریمه مبارکه قرآنیہ عمل نموده باشند قولہ

تعالی و تقدس :

”والذین جاهدوا فینا لنهدینہم سبلنا

وان اللہ لمع المحسنین .”